

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷

صفحات: ۲۵-۴۰

موانع تحقق خط لوله تاپی بر اساس نظریه همگرایی

قاسم ترابی*

دانشیار روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

راضیه صانعی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

چکیده

ترکمنستان یکی از جمهوری های استقلال یافته از اتحادیه جماهیر شوروی است که با دارا بودن منابع عظیم گاز طبیعی، از دیرباز دارای موقعیت برجسته ژئواکونومیکی بوده است. در این راستا رهبران ترکمنستان برای بهره برداری از این موقعیت به دنبال تنوع بخشی به بازارهای صادراتی و کسب آزادی عمل بیشتر از روسیه از طریق ساخت خط لوله انتقال گاز به افغانستان، پاکستان و هند هستند. علی‌رغم نیاز فراوانی که این کشورها به تحقق و عملی شدن خط لوله تاپی دارند، با این حال هنوز این طرح به مرحله اجرا نرسیده است. پرسش اصلی مقاله این است که چه موانعی باعث شده تا این خط لوله تاکنون به مرحله اجرا در نیاید؟ فرضیه اصلی مقاله بر این امر تاکید دارد که موانعی نظیر اختلافات هند و پاکستان، اختلافات افغانستان و پاکستان، موضع گیری روسیه نسبت به خط لوله تاپی و تلاش برای حفظ انحصار بر خطوط انرژی و گروه‌های تروریستی باعث تاخیر و ایجاد موانع در اجرای عملیات احداث خط لوله تاپی شده‌اند. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود خط لوله تاپی در کوتاه یا میان مدت تحقق نیابد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه ای و اینترنتی است.

کلیدواژه‌ها: خط لوله تاپی، نظریه همگرایی منطقه‌ای، اختلافات منطقه‌ای، گروه‌های تروریستی،

موانع.

مقدمه:

با استقلال ترکمنستان و سایر جمهوری های اتحادیه سابق شوروی، نقش انرژی در اقتصاد این کشورها روز به روز افزایش یافته و کشورهای مزبور سعی در افزایش میزان صادرات انرژی خود داشته و دارند. به همین دلیل ترکمنستان که یکی از صادرکنندگان گاز در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است، طرح احداث خط لوله تاپی^۱ (ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند) را مطرح کرده است تا علاوه بر روسیه، کشورهای جنوب آسیا را نیز به عنوان بازار هدف صادرات انرژی خود در نظر داشته باشد. لازم به ذکر است که در اواسط دهه ۹۰ میلادی، شرکت آمریکایی «یونوکال»^۲ با همکاری عربستان سعودی و ترکمنستان احداث خط لوله انتقال گاز را از مسیر افغانستان در دستور کار قرار داد، اما به دلیل تسلط طالبان بر افغانستان و ناامنی در این کشور، شرکت یونوکال از اجرای این طرح عقب نشینی کرد. به مرور زمان و با افزایش نیاز هند و پاکستان به انرژی، بازگشت نسبی امنیت به افغانستان و همچنین تعویق خط لوله صلح (انتقال گاز ایران به پاکستان و هند) به دلیل فشارهای آمریکا، موضوع انتقال گاز ترکمنستان به هند و پاکستان از مسیر افغانستان، مجددا در دستور کار ترکمنستان و البته آمریکا قرار گرفت.

در این راستا در دسامبر ۲۰۱۰ روسای جمهور ترکمنستان، پاکستان و افغانستان به همراه نخست وزیر هند، موافقتنامه ای مبنی بر ساخت خط لوله تاپی امضا کردند و در ۲۳ مه ۲۰۱۲ ترکمنستان موافقتنامه فروش گاز با هند و پاکستان مبنی بر عرضه ۱.۲ میلیارد فوت مکعب گاز طی یک سال را از طریق خط لوله تاپی امضا کرد. در روزهای پایانی سال ۲۰۱۵ با حضور مقامات ارشد چهار کشور ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند و طی مراسمی، عملیات ساخت خط لوله تاپی، آغاز شد. در این مراسم که در حومه شهر ماری^۳ در جنوب شرق ترکمنستان و در نزدیکی میدان گازی بزرگ گالکینیش^۴ برگزار شد، قربان قلی بردی محمداف، رئیس جمهوری ترکمنستان، اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان، محمد نواز شریف، نخست وزیر پاکستان و حمید انصاری، معاون رئیس جمهوری هند، حضور داشتند. به گفته قربان قلی بردی محمداف^۵، تا ماه دسامبر سال ۲۰۱۹ میلادی، خط لوله تاپی با ظرفیت ۳۳ میلیارد مترمکعب تکمیل خواهد شد (Nanay, ۲۰۰۹:۱۲۱-۱۲۲).

علی رغم پیشرفت های نسبی در احداث این خط لوله و آغاز عملیات اجرایی ساخت آن، به نظر

۱. Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India Pipeline (TAPI)

۲. Unocal

۳. Mary

۴. Galkynysh Gas Field

۵. Gurbanguly Berdimuhamedow

می رسد با توجه به ناامنی در افغانستان و احتمال حضور داعش در شمال این کشور و همچنین اختلافات جدی میان هند و پاکستان، این خط لوله در مسیر احداث نهایی خود با موانع جدی مواجه شده است، به شکلی که به احتمال فراوان برنامه‌های اجرایی این خط لوله در مدت زمان مشخص شده محقق نخواهند شد. در این راستا هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی دلایل و موانع تحقق خط لوله تاپی از زمان مطرح شدن ایده ساخت آن تا به امروز است. فرضیه نگارندگان این است که با توجه به عدم وجود زیرساخت‌های کافی در ترکمنستان، مخالفت‌های جدی روسیه، ناامنی در افغانستان و مرز هند و پاکستان، اختلافات مذهبی و قومی و همچنین اختلافات دهلی نو و اسلام آباد بر سر منطقه کشمیر، ساخت این خط لوله محقق نخواهد شد.

برای ارزیابی سوال و فرضیه مذکور، مقاله حاضر مشتمل بر چهار بخش است. در قسمت اول مبانی نظری و مفهومی بحث خواهد شد. سپس سیاست ترکمنستان در عرصه انرژی و چرایی تلاش این کشور برای تحقق طرح لوله تاپی بحث می‌شود. بررسی تاریخچه طرح تاپی موضع بخش سوم است. در نهایت در بخش چهارم، بر اساس مباحث نظری مطرح شده، مهم‌ترین موانع تحقق طرح تاپی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- مبانی نظری و مفهومی

برای مشارکت و توسعه همکاری در میان کشورها، نظریه‌های مختلفی ارائه شده که به خوبی عملکرد و اتحاد کشورهای عضو یک نهاد یا سازمان منطقه‌ای را تحلیل و تبیین می‌کند. نظریه همگرایی یکی از همین نظریات است که البته بیشتر به تجربه اروپایی غربی در بعد از جنگ جهانی دوم اشاره دارد. این نظریه در گذشته بر هم سوئی در تجارت، اقتصاد و تبادلات کالا تاکید می‌کرد، اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد بر همگرایی منطقه‌ای به عنوان فرآیندی چند بعدی تاکید دارد که افزون بر همکاری اقتصادی بر ابعاد سیاسی، دیپلماسی، امنیتی و فرهنگی نیز اهمیت می‌دهد. با این وجود تجارت و همگرایی اقتصادی بعد اصلی و مرکزی پروژه همگرایی باقی ماند (Lombaerde and van Langenhov, ۲۰۰۵: ۳). در همگرایی دو یا چند بازیگر سیاسی تبدیل به یک موجودیت سیاسی واحد شده و در اینجا است که روند همگرایی کامل شده می‌شود (محمدی، ۱۳۷۰: ۴۵). در همگرایی کشورهای مختلف به دلیل منافع مشترک با حفظ استقلال داخلی خود دست به تشکیل سازمان یا نهاد جدیدی می‌زنند و فعالیت‌ها و همکاری‌های مشترک آنها منجر به سود برای تمامی اعضا می‌شود. همگرایی از یک نقطه آغاز شده و به سایر ابعاد دیگر تسری پیدا می‌کند. همگرایی یا منطقه‌گرایی در سیاست بین الملل که گاه مترادف فوق ملی‌گرایی و یا گرایش‌های بین‌حکومتی شناخته می‌شود، به گسترش قابل ملاحظه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان دولت‌ها و

سایر بازیگران در نواحی جغرافیایی خاصی اشاره دارد. اصولاً منطقه به صورت ترکیبی از نزدیکی جغرافیایی، درجه بالای تعاملات، چهارچوب‌های نهادی و هویت‌های فرهنگی مشترک تعریف می‌شود. همگرایی منطقه ای به چند صورت شکل می‌پذیرد، از طریق سیستم های اتحاد نظامی، اتحادیه‌های اقتصادی، گروه بندی های سیاسی و امنیت سیاسی که از دیگر مولفه های همگرایی منطقه ای می باشد و باعث می شود کشورهای عضو نسبت به تهدیدهای بالقوه و بالفعل از سوی کشورهای ثالث، واکنش نشان بدهند. (قوام، ۱۳۹۲: ۵۴).

به واقع این‌ها همان مقدمات و ملزومات همگرایی یا در سطحی پایین‌تر همکاری‌های محدود یا گسترده اقتصادی هستند. این در شرایطی می‌باشد که کشورهایی که میزبان خط لوله تاپی هستند فاقد حداقل زمینه‌های همگرایی یا حداقل زمینه‌های همکاری اقتصادی هستند. بر این اساس می‌توان گفت پروژه خط لوله تاپی به دلیل عدم هماهنگی و نبودن زمینه های لازم مورد تاکید نظریه همگرایی در میان این چهار کشور عضو به بن بست رسیده است. به تعبیری دیگر می‌توان گفت از آنجایی که در این منطقه گفتمان امنیتی و نظامی در اولویت است و با توجه به نبود یا ضعف فاکتورهای همگرایی در زمینه های سیاسی، امنیتی، فرهنگی و نمی‌توان به آینده چنین طرح‌های چندان امیدوار بود. به عنوان نمونه افغانستان به عنوان کشوری که قرار است مسیر انتقال خط لوله باشد، طی چند دهه گذشته ناامن بوده است. ضمن اینکه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و لشکرکشی و حمله نظامی آمریکا به افغانستان به منظور براندازی طالبان و ایجاد حکومت دموکراسی، تغییر چندان در وضعیت امنیتی این کشور داده نشده است. افزون بر این، تدریجی‌های اسلام‌گرای پاکستانی و بحث تروریسم در منطقه از عوامل دیگری است که کاملاً با همگرایی منطقه ای و فعالیت های مشارکت جویانه همه جانبه ضدیت دارد و بسیار بعید به نظر می‌رسد که با توجه به این منطقه بحران خیز همکاری امکان پذیر شود. همچنین اختلافات این منطقه از لحاظ استراتژیکی و ژئوپلیتیکی بسیار قابل توجه می باشد. همگرایی در یک منطقه زمانی صورت می‌گیرد که کشورهای عضو دارای ساختار، فرهنگ، سیاست و ایدئولوژی همگونی باشند. در این منطقه این فاکتورها یا وجود ندارد یا مورد توجه نیستند.

علاوه بر مسائل داخلی یک منطقه که باید هم سویی و همگرایی از ابعاد مختلف در بین کشورهای عضو انجام گیرد، برای تحقق همگرایی مسائل بین المللی و عدم دخالت‌های کشورهای فرامنطقه ای نیز مطرح است. داشتن سد نفوذ در برابر دخالت‌ها و جلوگیری از منفعت طلبی کشورهای غیر عضو، روند همگرایی و همسویی در بین کشورهای عضو را به سهولت شکل می‌دهد. در هر منطقه فقط کشورهای آن منطقه نیستند که به ایفای نقش می‌پردازند، بلکه در یک نظام بین المللی که دارای سلسله مراتب است، دولت‌ها خارج از منطقه نیز خود را در سیاست بین الملل مناطق درگیر می‌کنند (پیشداد، ۱۳۸۱: ۴۹). با توجه به این مورد، عملکرد کشورهای فرامنطقه ای از جمله روسیه

نسبت به پروژه تاپی نیز موانع همکاری به حساب می آید. کشور روسیه به دلیل اینکه خود را داعیه‌دار کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می‌داند، با روند یکجانبه‌گرایی و خودمختار عمل کردن کشور ترکمنستان مخالفت است.

با توجه به این شرایط می‌توان گفت تقریباً هیچ‌کدام از زمینه همگرایی و یا در سطحی پایین‌تر همکاری اقتصادی در طرح‌های چون تاپی در منطقه در سطحی که مورد انتظار نظریه همگرایی است وجود ندارد. بر این اساس می‌توان پیش‌بینی کرد که این طرح در مرحله اجرا با موانعی جدی مواجه خواهد بود. بر این اساس در ادامه ابتدا سیاست ترکمنستان در عرصه انرژی مورد بحث قرار می‌گیرد، سپس بر اساس مبانی مطرح شده در این بخش، موانع مطرح خواهند شد.

۲- سیاست ترکمنستان در قبال طرح

سیاست ترکمنستان در زمینه انرژی متنوع نمودن بازارهای صادراتی و در نتیجه کاهش وابستگی به روسیه است. در اجرای این سیاست مهمترین چالشی که وجود دارد، محصور بودن ترکمنستان در خشکی و نبود ارتباط با آب‌های آزاد است. روسیه به عنوان میراث‌دار اتحاد شوروی، انحصار خطوط لوله در آسیای مرکزی را در اختیار دارد. این امر از سوی ارتباط مستقیم ترکمنستان با بازارهای مصرف را غیر ممکن کرده و از سوی دیگر ابزاری سیاسی و اقتصادی برای روسیه جهت اعمال فشار بر این کشور ایجاد می‌کند. در نتیجه، ترکمنستان برای جذاب کردن سرمایه‌گذاری در بخش گاز خود برای سرمایه‌گذاران غربی و نیز کاهش وابستگی خود به روسیه، به دنبال یافتن مسیرهای جدید برای صادرات گاز است (کولایی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

در مقابل روسیه به شدت مخالف اجرای این سیاست است. به همین دلیل از تمامی ابزارهای ممکن برای مقابله با آن استفاده کرده است. از جمله مقامات روس در تلاش برای بی‌علاقه کردن ترکمنستان به بازارهای جدید، پیشنهاد افزایش صادرات گاز ترکمنستان به روسیه در چارچوب قراردادی طولانی مدت را ارائه کردند (آلیسون و جانسون، ۱۳۸۲: ۱۴۸). اما این امر با توجه به اختلافات قیمت نتوانست مقامات ترکمن را راضی کند. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۴ به دنبال بالا رفتن قیمت نفت و گاز در بازارهای جهانی، مقامات ترکمنستان خواهان قیمت بالاتری برای صادرات گاز خود به روسیه و اوکراین درخواست کردند (Nanay, ۲۰۰۹: ۱۲۲). همین موضوع باعث افزایش اختلافات شد، به شکلی که مقامات ترکمن یک‌بار دیگر متوجه این امر شدند که نمی‌توانند در بحث انتقال گاز به مقامات روسیه اتکا کنند و در نهایت باید به فکر راهکارهای متنوع‌سازی بازارهای صادراتی باشند.

در این راستا در سال ۲۰۰۶ و علی‌رغم فشار روسیه اولین قرارداد گازی بین چین و ترکمنستان به

امضاء رسید که مهمترین آن در ارتباط با احداث خط لوله گاز از ترکمنستان به غرب چین بود. همچنین چین موفق شد قراردادهایی برای حفاری جهت استخراج نفت و گاز با ترکمنستان امضاء کند (Koolae & Tishehyar, ۲۰۰۹:۹-۱۰). این قرارداد کمک فراوانی به ترکمنستان نمود تا بتواند سیاست انرژی خود را با انعطاف بیشتری اجرا کند. به واقع متنوع شدن گزینه های صادرات برای ترکمنستان، دست این کشور را برای مانور در مقابل روسیه بازتر نمود (کولایی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). از دیگر اقدامات ترکمنستان برای کاهش وابستگی به روسیه و متنوع نمودن بازارهای صادراتی، تلاش برای اجرایی نمودن طرح لوله تاپی به عنوان یکی از بزرگترین و طولانی ترین خطوط لوله گاز در سطح جهان است. سیاست مقامات ترکمنستان در قبال این خط لوله آنست که با انتقال حجم گسترده ای از گاز به کشورهای مسیر و به خصوص هند، هم از وابستگی به خطوط لوله روسیه بکاهد و هم درآمدی دایمی از منابع گازی خود داشته باشد. این امر نه تنها در بازار انرژی برای این کشور مهم است، بلکه می تواند به استقلال اقتصادی و سیاسی آن کمک فراوانی کند (Nanay, ۲۰۰۹:۱۲۲). ضمن اینکه بسیاری از کارشناسان بر این باورند که این خط لوله نه تنها برای ترکمنستان بلکه برای امنیت و رشد و توسعه اقتصادی آسیای مرکزی و جنوب آسیا بسیار تاثیر گذار است. بر این اساس برخی این پروژه را بر اساس منطق بازی برد برد برای کل منطقه سودمند ارزیابی می کنند (Sadat, ۲۰۱۵:۴). از جمله می توان به هند به عنوان یکی از برندگان اصلی اشاره کرد که گاز ترکمنستان را یکی از مهم ترین راه کارهای موجود برای متنوع ساختن تامین انرژی خود می داند (Sodhi, ۲۰۱۶: ۱-۳).

۳- تاریخچه خط لوله تاپی

در اواسط دهه ۹۰ میلادی، شرکت آمریکایی «یونوکال» با همکاری عربستان سعودی و ترکمنستان احداث خط لوله انتقال گاز را از مسیر افغانستان در دستور کار قرار داد، اما به دلیل تسلط طالبان بر افغانستان و ناامنی در این کشور، شرکت یونوکال از اجرای این طرح عقب نشینی کرد. به مرور زمان و با افزایش نیاز هند و پاکستان به انرژی، بازگشت نسبی امنیت به افغانستان و همچنین تعویق خط لوله صلح (انتقال گاز ایران به پاکستان و هند) به دلیل فشارهای آمریکا، موضوع انتقال گاز ترکمنستان به هند و پاکستان از مسیر افغانستان، مجددا در دستور کار ترکمنستان قرار گرفت. نخستین بار ایده خط لوله تاپی را «صفر مراد نیازف» رئیس جمهور سابق ترکمنستان مطرح کرد و در دوره جدید «بردی محمداف» آن را پیگیری می کند. در ادامه نیز در دسامبر ۲۰۱۰ روسای جمهور ترکمنستان، پاکستان و افغانستان به همراه نخست وزیر هند، موافقتنامه ای مبنی بر ساخت خط لوله تاپی امضا کردند و در ۲۳ مه ۲۰۱۲ ترکمنستان موافقتنامه فروش گاز با هند و پاکستان مبنی بر عرضه

۱.۲ میلیارد فوت مکعب گاز طی یک سال را از طریق خط لوله تاپی امضا کرد. این خط لوله ۱۷۳۵ کیلومتر طول دارد. این خط لوله از هرات و قندهار در افغانستان نیز عبور خواهد کرد. طول این خط لوله در خاک ترکمنستان ۲۰۰ کیلومتر، در خاک افغانستان ۷۳۵ کیلومتر و در خاک پاکستان نیز ۸۰۰ کیلومتر خواهد بود. در خاک افغانستان این خط لوله در امتداد باند جنوبی بزرگراه هرات به قندهار احداث خواهد شد و سپس وارد خاک پاکستان می شود (Regional Cooperation and Integration Fund, ۲۰۱۲: ۱-۱۳). این پروژه توسط بانک توسعه آسیا حمایت می شود و قرار است گاز را از میدان دولت آباد ترکمنستان به منطقه مولتان پاکستان و شهرک فاضیلکای هند در ایالت پنجاب و در نزدیکی مرز هند و پاکستان منتقل کند (Official site of Ministry of Mines and Petroleum of Afghanistan, ۲۰۱۴).

در روزهای پایانی سال ۲۰۱۵ با حضور مقامات ارشد چهار کشور ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند و طی مراسمی، عملیات ساخت خط لوله تاپی آغاز شد. در این مراسم که در حومه شهر ماری در جنوب شرق ترکمنستان و در نزدیکی میدان گازی بزرگ گالکینیش برگزار شد، قربان قلی بردی محمداف، رئیس جمهوری ترکمنستان، اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان، محمد نواز شریف، نخست وزیر پاکستان و حمید انصاری، معاون رئیس جمهوری هند حضور داشتند. به گفته قربان قلی بردی محمداف، تا ماه دسامبر سال ۲۰۱۹ میلادی، خط لوله تاپی با ظرفیت ۳۳ میلیارد مترمکعب تکمیل خواهد شد (Turkmenistan Country Report, ۲۰۱۶:۷). هزینه ساخت آن رقمی بین ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار برآورد می شود. ظرفیت انتقال گاز آن از منابع گازی «دولت آباد» ترکمنستان تا «فاضیلکای» هندوستان حدود ۳۳ میلیارد مترمکعب گاز در سال پیش بینی شده است (Official site of Ministry of Mines and Petroleum of Afghanistan, ۲۰۱۳). با این حال سرعت این طرح در عمل پایین تر از آن چیزی است که دولت های مشارکت کننده پیش بینی می کنند. دلایل این امر مواردی هستند که در ادامه ذکر خواهند شد.

۴- موانع تحقق طرح لوله تاپی

همان گونه که گفته شد، خط لوله تاپی در بستر موانع گسترده منطقه ای گرفتار است و طی چند سال گذشته عملاً در مرحله طرح باقی مانده است. این موانع نه تنها مانع تحقق طرح لوله تاپی هستند، بلکه مانع از هرگونه همکاری نهادینه در قالب هر گونه نهاد یا سازمان منطقه ای شده اند. موانعی چون اختلافات مرزی و ارضی، تروریسم و خشونت گرایان و نفوذ قدرتهای منطقه ای که در ادامه مورد تجزیه و تحلی قرار می گیرند.

۱-۴ اختلافات هند و پاکستان

الگوی روابط ژئوپلیتیکی در منطقه جنوب آسیا، تقابل و رویارویی دو قدرت مهم این منطقه، یعنی هند و پاکستان را به نمایش می‌گذارد؛ بنابراین نگرانی‌های امنیتی اصلی جنوب آسیا مربوط به بخش سیاسی و نظامی ناشی از کشمکش این دو کشور است. تأثیر بحران کشمیر بر روابط درون منطقه‌ای شبه‌قاره هند، نمونه عینی یک بحران ژئوپلیتیکی است که بر مجموعه امنیتی فضای منطقه‌ای شبه‌قاره، اثر بی‌بدیلی در قیاس با سایر مسائل و مشکلاتی که در این شبه‌قاره وجود دارد، می‌گذارد. این منازعه نمونه مناقشه حل‌نشده‌ای است که از عادی شدن روابط بین دو کشور جلوگیری می‌کند و باعث وقوع چهار جنگ بزرگ بین دو کشور شده است. اختلافات کشور هند و پاکستان تأثیر به‌سزایی بر عدم امکان همکاری اقتصادی دوجانبه و چندجانبه گذاشته است. به واقع درگیری دیرینه بین هند و پاکستان بر سر منطقه مسلمان‌نشین کشمیر روابط بین این دو کشور را محدود کرده است. در صورتی که برای یک همکاری اقتصادی نیاز به جوء امنیتی مثبت و ارتباطات گسترده اقتصادی، سیاسی، فرهنگی می‌باشد. بنابراین نبود سوءظن در روابط و وجود روابط مسالمت آمیز در میان دو کشور از اهمیت بالایی برخوردار است (۲۰۱۶: Council on Foreign Relations, ۱-۶).

از این رو دو کشور هند و پاکستان اگر می‌خواهند مشکل تامین انرژی خود را حل کنند باید رویکردی جدید نسبت به هم داشته باشند. اهمیت این امر از آن رو افزایش پیدا می‌کند که هر دو کشور اعتقاد دارند آمریکا با فشارهای سیاسی، اقتصادی خود اجازه تحقق ایده خط لوله صلح را نخواهد داد، لذا بهتر است دو طرف با حل اختلافات خود هرچه سریعتر خط لوله تاپی را وارد فاز اجرایی و عملیاتی کنند. در این راستا سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرده است عضویت هند و پاکستان در سازمان همکاری شانگهای، به روابط هر چه بهتر دهلی‌نو و اسلام‌آباد کمک خواهد کرد. در همین راستا نیز مقامات دو کشور هند و پاکستان به این امر توجه کرده‌اند. چنانچه شریف ابراز خوش‌بینی کرده است که عضویت در سازمان همکاری شانگهای در بهبود روابط پاکستان با هند بر اساس اصول همکاری‌های متقابل نقشی مهم ایفا خواهد کرد و به نفع دو کشور خواهد بود. شایان ذکر است که در سالهای اخیر علیرغم اختلافات دیرینه بین دو کشور، تجارت بین دو طرف روند رو به رشدی را طی کرده است و اسلام‌آباد و دهلی توانسته‌اند اختلافات خود در مورد افغانستان را تا حد زیادی کنترل کنند و کاهش دهند (۲۰۱۶:۱۰۰, Mulakala&Chaturvedi).

همین عامل می‌تواند باعث حل اختلافات کلان دو کشور و در نهایت احداث خط لوله تاپی شود.

۲-۴ اختلافات افغانستان و پاکستان

ریشه اختلافات تاریخی دو کشور، به سال ۱۹۴۷ بازمی‌گردد. هنگام تشکیل کشور مستقل

پاکستان، افغانستان تنها کشوری بود که در شورای امنیت سازمان ملل متحد با عضویت پاکستان در این سازمان مخالفت کرد. کابل معتقد بود که کشور تازه تأسیس پاکستان سه منطقه از خاک افغانستان را به خود ملحق کرده است. افغانستان مدعی ایالت بلوچستان، ایالت خیبر پختون‌خواه و برخی از مناطق قبیله نشین شمال پاکستان است. افغانستان معتقد است که این سه منطقه در طول تاریخ همواره بخشی از خاک این کشور بوده است و استعمار انگلستان باعث جدایی سه ناحیه فوق شده است. کابل اعتقاد دارد با ترک منطقه توسط نیروهای انگلیسی، این سه ناحیه باید به خاک افغانستان ملحق گردد. از سوی دیگر اسلام آباد ادعا می‌کند که طبق توافقات صورت گرفته با مقامات هندی، قرار بود مناطق مسلمان نشین در اختیار پاکستان و مناطق هندونشین و سایر ادیان در اختیار هند قرار گیرد. پاکستان مدعی است در آن زمان افغانستان کشور مستقلی نبوده، به نوعی تحت الحمایه انگلستان بوده است. به همین دلیل پاکستان معتقد بود که نباید مرز دیورند^۱، مرز میان دو کشو پاکستان و افغانستان باشد بلکه مرز پاکستان با کشورهای آسیای مرکزی و شوروی سابق، باید آمودریا باشد. افغانستان همواره این ادعا را با جدیت رد کرده است و حتی دولت جدید افغانستان تهدید کرده است اگر پاکستان به دخالت‌های خود در افغانستان ادامه دهد، خط مرزی دیورند را نیز به رسمیت نخواهد شناخت. نکته شایان توجه دیگر این که پاکستان نسبت به سرزمین افغانستان ادعایی ندارد، بلکه سعی دارد از این کشور در مقابل هندوستان بهره برداری کرده و دولتی موافق با سیاست های اسلام آباد، در کابل حاکم باشد (۶: ۲۰۱۴، Ministry of Foreign Affairs).

موارد فوق بخش عمده اختلافات دو کشور را بازگو کرد. در مورد پروژه خط لوله تاپی نیز باید گفت در صورت ادامه دخالت های پاکستان در افغانستان، کابل می تواند همکاری در پروژه‌های منطقه ای مانند خط لوله تاپی را مشروط به تغییر سیاست های اسلام آباد کند. بنابراین نگرانی از این امر در میان مقامات پاکستان و حتی هند یکی از مهم‌ترین عوامل تردیدزا در مورد عملی شدن خط لوله تاپی است.

۳-۴ موضع‌گیری روسیه نسبت به خط لوله تاپی

کشور روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد همچنان تلاش دارد نفوذش بر جمهوری‌های تازه استقلال یافته داشته باشد. از جمله اینکه روسیه خواهان تسلط بر سیاست انرژی کشورهای منطقه در رقابت کلان با آمریکا است. بر این اساس رقابت روسیه با آمریکا در پروژه خط لوله گاز تاپی را می‌توان بخشی از رقابت کلان دو کشور در سطح منطقه ارزیابی کرد. به واقع روسیه فعالیت‌ها و پروژه‌های اقتصادی قفقاز و آسیای میانه از جمله خط لوله گاز تاپی ترکمنستان را معطوف به امنیت خود می‌داند. روس‌ها همچنین برای حفظ تسلط خود بر گاز اروپا و

^۱. The Durand Line

شرق آسیا مخالف خط لوله‌های دیگر نیز هستند. از جمله روسیه مخالف خط لوله گاز صلح، خط لوله گاز قطر به اروپا نیز هست.

لازم به اشاره است که روسیه در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی، دارای منافع راهبردی کلانی است، به ویژه در زمینه انرژی که ابزار مهمی در سیاست خارجی روسیه در قبال غرب به حساب می‌آید. در این راستا روسیه برای تامین امنیت مرزهای جنوبی خود در جمهوری‌های استقلال یافته و حفظ هژمونی بر بازار انرژی منطقه و ایالات متحده آمریکا برای ایجاد فاصله بین روسیه با محیط پیرامونی با هم در رقابتند. از سوی دیگر کنترل انحصاری روسیه بر خطوط انتقال گاز از آسیای مرکزی، ابتکار عمل در زمینه قیمت گذاری را به روسیه می‌دهد (Charap and Drennan, ۲۰۱۶: ۸-۱۶).

در مقابل این خط لوله‌ها روسیه به دنبال خطوط لوله دیگری است که تحت تسلط این کشور باشند. از جمله می‌توان به توافق با چین اشاره کرد. این توافقنامه بین روسیه و چین در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴ در مسکو به امضا رسید. این خط لوله با نام خط لوله شرقی میادین شرقی سیبری را از طریق شهر بلاکووشچنسک در شرق روسیه به شمال شرقی چین متصل می‌کند (عصرنفت ۱۳۹۴/۲/۷). لازم به اشاره است در نتیجه این خط لوله و صادرات گاز به اروپا، روسیه مقام اول جهان در بازار گاز را دارد. بخش گاز طبیعی روسیه در هر بخش ذخایر (۵۷/۴۷) تریلیون مترمکعب مقام دوم و تولید سالیانه (۱/۶۳) میلیارد مترمکعب و صادرات سالیانه (۹/۱۷۸) میلیارد متر مکعب، رتبه نخست را در سطح جهان دارد. (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۷۳).

۴-۴ رقابت آمریکا با روسیه در منطقه

پس از فروپاشی شوروی، آمریکا تلاش کرد حضور مستمر و پر رنگ تری در منطقه ی قفقاز و آسیای مرکزی داشته باشد. از این رو هم به مقابله و رقابت با کشور روسیه پرداخت و هم منافع متعدد ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود را پیگیری نمود. همچنین یکی از الویت‌های مهم آمریکا در منطقه، دسترسی به منابع انرژی و حضور در بازارهای این منطقه و در نتیجه کاهش نفوذ روسیه بر انرژی منطقه است (طاهری و فرهمند، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

همچنین آمریکا همواره در پی این بوده که منابع انرژی را برای خود متنوع سازد و میزان وابستگی خود را به نفت و گاز خاورمیانه کاهش دهد. از دیگر دلایل حضور آمریکا در سطح منطقه و حکایت از پروژه اقتصادی چون خط لوله تاپی، باز داشتن قدرتهای منطقی یعنی چین، روسیه و ایران از تبدیل شدن به بازیگر موثر در این منطقه به طور عام و فعالیت در زمینه استحصال و انتقال گاز به طور خاص بوده است (یزدانی، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۱). در این راستا آمریکا با توجه به رقابتی که با روسیه دارد و همچنین در تلاش برای کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه، سیاست

حمایت از پروژه خط لوله تاپی را در اولویت قرار داده است. بر این اساس به شکل خلاصه می‌توان سیاست آمریکا را تلاش برای کاهش تسلط روسیه بر انرژی منطقه به خصوص شکستن انحصار روسیه بر بازار انرژی اروپا و شرق آسیا با توسل به کشورهای چون ترکمنستان ارزیابی کرد. ب هر حال این موضوع می‌تواند در میان مدت موضع روسیه در قبال غرب را تضعیف کند، چرا که انرژی باتوجه به وابستگی اروپا به گاز روسیه، یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی روس‌ها محسوب می‌شود (Rafael, ۲۰۱۵: ۱-۸).

به همین شکل برخی از کارشناسان سیاست حمایت‌آمیز آمریکا از خط لوله تاپی را در راستای مقابله با نفوذ چین در منطقه به خصوص در کشورهای چون ترکمنستان می‌دانند (Zimmerman, ۲۰۱۵: ۶-۹). بر این اساس گفته می‌شود تلاش آمریکا برای انتقال گاز ترکمنستان به هند در چارچوب رقابت این کشور با چین قابل تجزیه و تحلیل است. در این زمینه حتی برخی تلاش آمریکا برای حذف چین از این پروژه را بازی با حاصل جمع صفر ارزیابی می‌کنند (Osmani, ۲۰۱۶: ۱-۳).

۴-۵ گروه‌های تروریستی و ناامنی در منطقه

به دنبال شکست طالبان این فرض وجود داشت که وضعیت افغانستان به سوی آرامش و ثبات سیاسی سوق پیدا خواهد کرد، اما حوادث بعدی نشان داد گروه طالبان و القاعده هنوز در افغانستان و حتی پاکستان فعال هستند و زمینه‌های تروریسم در حال گسترش است (بزرگمهری، ۱۳۸۹: ۱۴۸). در این زمینه حتی اوپاما پاکستان را یکی از دلایل مهم ناامنی در افغانستان دانسته و بهبود وضعیت امنیتی در افغانستان را به طور مستقیم وابسته به بهبود وضعیت در پاکستان می‌داند. ضمن اینکه در سال‌های اخیر بنیادگرایی و فرقه‌گرایی مذهبی در پاکستان از رشد چشمگیری برخوردار بوده؛ به طوری که امروزه این کشور به مرکز بنیادگرایی و به ویژه فرقه‌گرایی شهرت یافته است. از دهه ۱۹۹۰ به بعد، به دلیل تمرکز افراطیون در آن که خارج از پاکستان در جبهه‌های افغانستان توجه جهانیان را به خود جلب کرده است (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۸۴).

لازم به اشاره است که پاکستان کشور پرجمعیت و البته فقیری است که تعصبات فرقه‌ای در این سرزمین مانع از ثبات قدرت سیاسی و در نتیجه امنیت اقتصادی می‌شود. بالا بودن نرخ رشد جمعیت (سه درصد)، فقدان منابع زیر زمینی، هرج و مرج در سیستم مالیاتی، رشد فساد مالی در دستگاه حاکم و افزایش سرسام آور هزینه‌های نظامی، مانع از آن گردیده تا اقتصاد بیمار این کشور سامان پیدا کند (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۳۶). در حال حاضر تقریباً تمامی سرمایه‌گذاران خارجی، پاکستان را نادیده می‌گیرند و سرمایه‌های خود را به جای این سرزمین پرآشوب و پرهیاهو وارد بازارهای باثبات تر در کشورهای در حال توسعه می‌کنند (شفیعی، ۱۳۸۰: ۴). جوانان و نوجوانان پاکستان امیدشان به توانایی

دولت در رفع مشکلات اقتصادی شان را از دست داده اند، احزاب و موسسات خیریه اسلامی را تنها پناهگاه واقعی خود یافته اند. این جوانان بعضاً به خاطر تامین زندگی خود و خانواده به استخدام احزاب جهادی در پاکستان، افغانستان و کشمیر در می آیند. جوانان با چنین وضعیتی با انگیزه‌های اقتصادی و انتقام‌گیری از صاحبان قدرت و ثروت و یا صرفاً مذهبی به امید پاداش‌های اخروی، به سوی گروه‌های تندرو اسلامی کشیده می شوند (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۶۷).

بر این اساس یکی از ریشه‌های گسترش تنش‌های فرقه‌ای و پرورش گروه‌های تروریستی، فقر اقتصادی و نبود چارچوب مهندسی فرهنگی پایدار در پاکستان است. به عنوان مثال اکثر شبه نظامیان طالبان بیشتر در مناطق مرزی پاکستان با افغانستان که اکثراً توسعه نیافته اند، مستقرند. جامعه پاکستان دارای ماهیت قومی و فرقه‌ای است که هر یکی دارای ایده‌ها و تعصبات قومی- قبیله‌ای و برداشت‌های سنتی و مذهبی خاص هستند که روز به روز بر دامنه شکاف آن افزوده می شود (مسعودنیا، ۱۳۸۶: ۲۰۱). با توجه به این شرایط، نه تنها نمی‌توان امید چندانی به کاهش خشونت، افراط‌گرایی و تروریسم در افغانستان و پاکستان داشت، بلکه این انتظار وجود دارد که طی سالیان آینده دو کشور با مشکلات امنیتی بیشتری مواجه شوند.

به هر حال در نتیجه رشد بنیادگرایی در پاکستان و فعالیت روبه گسترش طالبان در افغانستان طی سال‌های اخیر و همچنین احتمال حضور و گسترش داعش در این منطقه، نگرانی‌های جدی در مورد امنیت این دو کشور و حتی ترکمنستان وجود دارد. نگرانی اصلی تسلط این گروه بر شهرها و مسیرهایی است که خط لوله از آنها گذر می‌کند. نیازی به گفتن نیست که وجود این گروه‌ها برای اجرایی خط لوله و بعد فعالیت روزانه آن خطری دائمی است که کمتر شرکت یا کشور ریسک هزینه‌های آن را می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری:

تحقق خط لوله تاپی با موانع جدی منطقه‌ای و نبود حداقل زمینه‌های همگرایی و حتی در سطحی پایین‌تر همکاری اقتصادی مواجه است. مسائل و موانعی چون نفوذ روسیه در سطح منطقه و عدم رضایت این کشور در شکستن انحصارش در بازار انرژی گاز اروپا و شرق آسیا، اختلافات هند و پاکستان بر سر منطقه مسلمان نشین کشمیر، اختلافات قومی و مذهبی، ناامنی و حضور گروه‌های تروریستی در منطقه و در نهایت اختلافات گسترده پاکستان و افغانستان از جمله موانعی هستند که تحقق این پروژه را به تاخیر می‌اندازند. این موانع در سطحی ساختاری و کلان هستند که می‌توانند در کوتاه، میان و حتی بلندمدت تحقق خط لوله تاپی را به تاخیر اندازند. حتی این احتمال وجود دارد که اصولاً این طرح همچون بسیاری از طرح‌های دیگر در این منطقه عملاً محقق نگردد، یا در

صورت اتمام کار به دلایلی که ذکر شد نتواند به فعالیت خود ادامه دهد. به عنوان نمونه این احتمال در سطحی بالا وجود دارد که حتی در صورت اتمام خط لوله، اختلافات گسترده موجود بین پاکستان و افغانستان یا هند و پاکستان می‌تواند ادامه فعالیت آن را با مشکل و موانع مواجه کند. به همین شکل در صورتی که گروه‌های تروریستی بخواهند می‌توانند امنیت خط لوله را بی‌ثبات و با انجام اقدامات خرابکارانه ادامه فعالیت آن را با مشکلاتی جدی مواجه سازند. بر این اساس به نظر می‌رسد در ساخت و اجرای خط لوله تاپی موانع بر مزیت‌ها برتری دارند.

منابع:

- ابراهیمی، محمد (۱۳۸۴)، «استراتژی انرژی روسیه، ظرفیت ها و اقدام ها»، **مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- آلیسون، روی و لنا جانسون (۱۳۸۲)، **امنیت در آسیای مرکزی: چارچوب نوین بین المللی**، محمد رضا دبیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- پیشداد، سعید (۱۳۸۱)، **همگرایی در سازمان اکو**، تهران: بازشناسی اسلام و ایران.
- شفیع، نوذر (۱۳۸۴)، «جایگاه پاکستان در رشد اسلام گرایی»، **همشهری دیپلماتیک**، ش ۶۱
- شفیع، نوذر (۱۳۸۱)، «بازی قدرت در صحنه افغانستان: اهداف و الگوهای رفتاری»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، پاییز و زمستان، شماره ۴۱، ۴۰.
- طاهری، ابوالقاسم، فرهمند، بهراد (۱۳۹۳)، «نقش تعامل و تقابل سیاست خارجی آمریکا و روسیه در توسعه منطقه قفقاز جنوبی: مطالعه مورد انرژی»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، دوره ۱۰، شماره ۲۹.
- عارفی، محمداکرم (۱۳۸۰)، «پاکستان و بنیادگرایی اسلامی»، **مجله علوم سیاسی**، سال چهارم، ش ۱۶.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲)، **روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها**، تهران: سمت.
- کولایی، الهه (۱۳۸۵)، **سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- کولایی، الهه (۱۳۸۹)، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، چاپ دوم، تهران: سمت.
- محمدی، یدالله (۱۳۷۰)، همگرایی و سیرتطور و تکامل آن (۱)، فصلنامه مصباح، شماره ۱
- مسعود نیا، حسین (۱۳۸۹)، «بررسی علل رفتار خشونت آمیز نیروهای اسلامی در پاکستان با تاکید بر طالبانسم»، **فصلنامه دانش سیاسی**، سال پنجم، ش اول.
- مسعودنیا، حسین و نجفی، داود (۱۳۹۰)، «عوامل موثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان»، **فصلنامه مطالعات شبه قاره**، پاییز، شماره ۸.
- یزدانی، عنایت الله (۱۳۸۵)، «ژئوپلیتیک نفت در منطقه خزر و نقش آمریکا: بازدارندگی جدید»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۵۶، زمستان.

– Andiyoti, Rafael (۲۰۱۵), **Powering Europ, Russia, Ukraine, and the Energy Squeeze**, New York, NY & Basingstoke: Palgrave Macmillan

– *Council on Foreign Relations*(۲۰۱۶), **New Geopolitics of China, India, and Pakistan**, at:

http://www.cfr.org/content/publications/attachments/Workshop_Report_Asia_Program_New_Geopolitics_OR.pdf

– DeLombaerde philippe and Luk Van Langenhove (۲۰۰۵), **Indicators of Regional Integration: Conceptual and Methodological Issues**, IIS Discussion paper, No.۶۴ a, at: <http://www.cris.unu.edu>, (accessed on ۱۰/۸/۲۰۱۱)

– Capt HPS Sodhi(۲۰۱۶), [pipelines of india's energy security](http://capsindia.org/files/documents/CAPS_Infocus_HPS_۰۸.pdf), at:http://capsindia.org/files/documents/CAPS_Infocus_HPS_۰۸.pdf

– Kahveci, Hayrie (۲۰۰۳), “**oil and gas sector in the Post-Soviet Turkmenistan: Opportunities and Challenge**” available at:[www.obiv.org.ir /۲۰۰۳/AVRASIA_hkahveci.pdf](http://www.obiv.org.ir/۲۰۰۳/AVRASIA_hkahveci.pdf), (accessed on ۷/۱۲/۲۰۰۹).

– Koolae, Elahe & Mandana Tishehyar(۲۰۰۹), “**China’s Energy Security Approach in the Central Asia**” International Conference on Eurasian Peace and Cooperation: Challenges and Opportunities, Kashmir: University of Kashmir.

– Ministry of Foreign Affairs(۲۰۱۴), **afghanistan pakistan region ۲۰۱۵ ۲۰۱۷ concept note**, at:

<https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/publications/research/۲۰۱۵۱۲۱۴AfghanistansTransitionsBohrPrice.pdf>

– Nanay, Julia (۲۰۰۹), **Russlands the Eurasian Market: Seeking Control in the Face of Growing Challes” Russian Energy Power and Foreign Relations: Implications for conflict and Cooperation**, London and New York: Routledge.

– Official site The Ministry of Mines and Petroleum of Afghanistan(۲۰۱۵), **TAPI pipeline page**, available at, <http://mom.gov.af/en/page/۴۷۱۷>

- Regional Cooperation and Integration Fund (۲۰۱۲), **Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India Natural Gas Pipeline Project**, Phase ۳, at: <https://www.adb.org/sites/default/files/project-document/۷۳۰۶۱/۴۴۴۶۳-۰۱۳-reg-tar.pdf>
- Rohullah Osmani(۲۰۱۶), **TAPI gas pipeline: are Sino-U.S. relations a zero-sum game?**, at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/۱۳۳۲۱-tapi-gas-pipeline-are-sino-us-relations-a-zero-sum-game?.html>
- Sachin Chaturvedi, Anthea Mulakala(۲۰۱۶), **India's Approach to Development Cooperation**, [Routledge Contemporary South Asia Series](#), Routledge.
- Sayed Masood Sadat(۲۰۱۵), **TAPI And Casa-۱۰۰۰: Win-Win Trade between Central Asia and South Asia**, at: http://www.osce-academy.net/upload/file/Policy_Brief_۲۵.pdf
- Samuel Charap, John Drennan and others(۲۰۱۶), **The US and Russia in the Asia-Pacific**, at: <https://www.iiss.org>
- Thomas Zimmerman(۲۰۱۵), **The New Silk Roads: China, the U.S., and the Future of Central Asia**, at: http://cic.nyu.edu/sites/default/files/zimmerman_new_silk_road_final_۲.pdf
- Turkmenistan Country Report (۲۰۱۶), at: https://www.bti-project.org/fileadmin/files/BTI/Downloads/Reports/۲۰۱۶/pdf/BTI_۲۰۱۶_Turkmenistan.pdf